امر به معروف و نهی از منکر

مستشار الدوله (صادق)

مقالهء که در شمارهء دوم«آینده»درج شده است دو قسمت است:

قسمت اول(چرا احزاب ایران بقاء و ثبات ندارند)که با بی‏انصافی بسیار سوءتعبیر شد از موضوع نگارش امروز خارج است.قسمت دوم(امر بمعروف و نهی از منکر)که مقصود اصلی بوده و انتظار میرفت از طرف کسانی که صلاحیت شرح و بسط دادن احکام اسلامی‏ را دارند با یک سلسله مقالات فصیحه تعقیب و تائید شود مع الاسف مورد توجه قرار نگرفت. این عدم توجه نگارنده را واداشت که در اطراف چنین مسئله پر مغز و معنی بیشتر دقیق شده هرچه بیشتر تحقیق و تفحص کردم حیرتم افزونتر گردید زیرا دیدم‏ در صورتیکه مدققین و شارحین احکام اسلامی در موضوعاتی مانند طهارت شکیات و غیرها زحمت تحریر و تالیف صدها جلد کتاب را تحمل فرموده‏اند اما در این موضوع که اهمیتش‏ مستغنی از بیان است بطوریکه لازم بل واجب بوده است شرح و تفصیلی ننوشته یا اگر با گوشه چشمی بر آن عطف نظر شده است خیلی مختصر و گمنام و نارسا و نایاب است‏ بطوریکه نتوانسته‏اند این‏چنین امر مهم و معتنا را از محاق غفلت و فراموشی و طاق اهمال‏ و بیهوشی بیرون کشیده در شاهراه ترقی و سعادت بشر تابنده ستارهء هدایت قرار دهند. البته نمی‏توان تصور کرد که مسئله امر بمعروف و نهی از منکر با همه تاکیدات بلیغه‏ و تنبیهات صریحه که در تلوایات باهرات قرآن عظیم الشان و فرمایشان درربار حضرت‏ هادی امم صلواة اله و سلامه علیه شرفصدور یافته است باندازهء موضوعاتی که ذکر شد و ابدا قابل مقایسه با این حکمت بالغه نتوانند بود توجه مروجین احکام اسلامی را جلب‏ نکرده باشد.بلکه باید احتمال داد که این امر بسیار گرانبها را از شدت صراحت‏ و صلابت ابلغ من التصریح و مستغنی از شرح و بیان یافته تفصیل و توضیح را زاید شمرده‏ اند و حال انکه این قبیل دستورات که از سرچشمه اعجاز نبوت آب خورده است هرقدر بیشتر تذکار و تکرار شود و در اعمال و اجرای آن تاکید و اصرار بکار رود بهتر نصیب العین مسلمین گشته فوائد آن بیشتر عاید جامعه بشر میشود.پس شدیدا لازم است اشخاص‏ صلاحیت‏دار در جمع و تدوین و ترجمه و تفسیر آنچه در اینباب از مصدر جلالت موسس‏ دین اسلام صادر شده است یعی وافی و همت کافی بکار برده هرقدر مفصل‏تر و روشن‏ تر ممکن است فوائد و محسنات آنرا در معرض اطلاع عموم بگذارند.و فقره از فرمایشات‏ حضرت رسول اکرم را که در نظر است من باب نمونه تذکر میدهم:

فرمودند:(کنتم خیر امته اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر)استاد کل سیاست اسلام خطاب بمسلمین میفرمایند:«ای ملت اسلام شما که آمر به معروف و ناهی‏ از منکر هستید بهترین امم و طوایف شمرده میشوید زیرا در میان هیئت جامعه ملل‏ این دو خصلت بشما اختصاص دارد که همکنانرا به معروف دعوت و از منکر نهی میکنید و هر فرد شما نگهبان اعمال دیگری است و هریک حق دارید با اندرز و ملامت و نصیحت‏ و مذمت جلو اخلاق فاسد و اطوار کاسد دیگری را گرفته مراقب نظم جامعه و تربیت همنوعان‏ خود باشید.»

باز فرموده‏اند(ان اعظم الناس منزله عند اللّه یوم القیامه امشاهم فی ارضه بالنصیحه‏ لخلقه)یعنی روز حساب و عقاب بزرگترین رجال دین از حیث رتبه و منزلت‏ کسانی هستند که در روی زمین قدم میزنند و زحمت میکشند و با موعظه و نصیحت‏ در جامعه بشر تهذیب اخلاق می‏کنند و آداب و معاشرت را مراقبت و هدایت مینمایند تا معروف رواج یابد و منکر مطرود گردد و نور تمدن و تربیت جهان را روشن و حوزه‏ انسانی را گلشن نماید.چقدر مناسب است خلاصه این فرمایشات در سرلوحهء مرامنامهای‏ احزاب سیاسی از شرایط برجسته و اصلی قرار داده شده باین تدبیر گوشزد جوانان‏ گردد که موسس معظم دین اسلام با چه تدبیر مؤثر مراقبت باخلاق و ادب را تزریق‏ و تشویق فرموده‏اند و حفظ حقوق فردی و اجتماعی را از تکالیف حتمیهء هرکس قرار داده‏اند در این ضمن باید ملتفت بود که این درخت طوبای تمدن هرگاه در بهارستان هستی‏ چنانچه باید نشو و نما یابد شاخهای پربار بسیاری خواهد داشت که سایه‏گستر بزم انسانیت‏ شود.از آنجمله است موضوع تعاون و تعاضد بین مردمان زیرا همینکه بحکم‏ امر بمعروف و نهی از منکر مردم مراقب اعمال و احوال یکدیگر شدند بالطبع باحتیاجات و ابتلاآت همدیگر وقوف بهمرسانده باز بحکم اوامر مطاعهء که‏ از مقام نبوت شرفصدور یافته است باید بقدر قوه از ضعفا دستگیری نمایند و بداد مظلومین برسند زیرا شارع مقدس فرموده است(من اعظم الناس اجرا من سعی فی‏ حاجت اهله)یعنی بزرگترین مردمان ما جور در عالم اجتماعی کسی است که در برآوردن حاجت هم نوعان خود سعی نماید.باز فرموده‏اند:(من اصبح و لم یهتم‏ بامور المسلمین فلیس منهم)یعنی کسیکه صبح کند بدون اینکه برفع حاجت مسلمین‏ اهتمام نماید از زمرهء مسلمین شمرده نمیشود یکی دیگر از اغصان رحمت بار این همایون‏ درخت صراحت لهجه است.

صراحت لهجه مدتی است از ایران رخت بربسته و جایش را ترس و تقلب، دروغ و تزویر و سایر صفات رذیله غصب کرده ظاهرسازی و لفاظی مقام سعی و عمل‏ را گرفته است.البته همینکه امر بمعروف و نهی از منکر متداول گردید خوب را خوب دیدند و بد را بد گفتند بالطبع صراحت لهجه بمیان میآید و الفاظ مهملهء بلی، خیر،اما،ولی،موقوف میگردد و در نتیجه بسی از دردها واضح و آشکار گفته و شنفته‏ میشود که امروز میترسند اگر بر زبان آرند زبان بسوزد لهذا مقرون بصرفه و احتیاط می‏پندارند که بر زبان نیاورند و لو مغز استخوان سوزد و موقع مداوا بگذرد و بشود آنچه نباید و نشاید.

خلاصه تعداد ثمرات و اثرات این درخت سعادت بسیار و ذکر همه از حوصلهء این مقاله بیرون است.

انشاء اللّه اگر آه صاحب درد را باشد اثر و ارباب ذوق از این مختصر عبرت‏ و همت گیرند کم‏کم گفتنی‏ها گفته و نوشتنی‏ها نوشته خواهد شد.فکرها و عقیده‏ها قطره‏قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.دریائی مشحون از درر و لآلی گرانبها و همان کتابها که نگارنده هرچه بیشتر تفحص کردم کمتر یافتم بوجود آمده یکی از گوشه‏های تاریک تمدن اسلامی را فروزان خواهد ساخت.

من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم‏ تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال.